

کانون ایرانی پژوهشگران فلسفه و حکمت

۸ـ کنکاشی در اندیشه و آثار ابن میمون

۲۳ شهریور ۱۳۸۸ ساعت ۱۳:۰۱

• در نسلهای قبل از ابن میمون عالمان تلمود به نحو فلسفی آموزش دیده و به دانش یونانی و علم ربی تجهیز می شدند، ولی ابن میمون به نحوی کامل و خلاقانه این معارف را ترکیب کرده است.

• در آثار ابن میمون تورات و فلسفه به نحوی سازگار در کنار هم گذاشته شده اند.

نویسنده: ایزادور تورسکی

ترجمه: مجید محمدی

اشاره موسی بن رامبام میمون (د ۱۲۰۴ ـ ۸/۱۱۳۵ م.) که به طور مختصر او را مبام(۲) می نامند طبیب و فیلسوف و عالم تلمود(۳) و یکی از بارزترین چهره ها در تاریخ یهود است. او تاثیری عمیف و جدی در حیات و اندیشه یهودی داشته و تاثیر زیاد او را غیر یهودیان نیز همانند یهودیان گواهی داده اند. آثار تاریخ ساز او در قلمروهای اصلی شریعت یهود و فلسفه دین به واسطه جامعیت بی سابقه، تبحر زیاد و اصالت و عمق قابل توجه، منحصر به فرد و نادرند. پیوند خارق العاده میان اعتبار فلسفی و مرجعیت شریعت دین، مورد توجه عموم محققین بوده است. در نسلهای قبل از ابن میمون عالمان تلمود به نحو فلسفی آموزش دیده و به دانش یونانی و علم ربی تجهیز می شدند، ولی ابن میمون به نحو کامل و خلاقانه این معارف را ترکیب کرده و آمیزه او بسیار چشمگیر و جالب توجه است. بسیاری از افراد با تمایلات ایدئولوژیکی متفاوت و از نسلهای پی در پی تمایل داشته اند که اثر بزرگ او را نوعی «جاویدان خرد» (۴) یا فلسفه ابدی تلقی کرده یا این نوع فلسفه را از آن استخراج کنند.

ابن میمون در قرطبه واقع در اسپانیا و در خانواده ای اهل علم به دنیا آمد. قرطبه درسال ۱۱۴۸ م، به تصرف الموحدون که یک کنفدراسیون متعصب اسلامی بود درآمد. خانواده ابن میمون برای فرار از محکومیت و تعقیب به واسطه عقاید دینی از شهر گریختند، آنها از سال ۱۱۴۸ تا سال ۱۱۵۸ در جنوب اسپانیا و شمال افریقا سرگردان بودند و چندین

سال در فارس(۵) اقامت گزیدند. ابن میمون در سال ۱۱۶۵ سرگردانی را دوباره آغاز کرده و از مراکش به سرزمین اسرائیل که صحنه جنگهای صلیبی است می رود. در آن زمان شهرها آشفته و در هم ریخته است و روی خوشی به ابن میمون نشان نمی دهند. او نمی تواند در آن شهرها ماوا بگیرد و پس از رفتن به جنوب از طریق بند اکره تا اورشلیم و هبرون و توقف در مکانهای مقدس برای زیارت و عبادت در فسطاط (قاهره قدیم) رحل اقامت می افکند. او حرفه پزشکی را اختیار کرده و طبیب خانوادگی وزیر صلاح الدین می شود. ابن میمون در یک نامه دوستانهم به شاگرد مورد علاقه اش، کار خود را به عنوان طبیب بخوبی شرح می دهد:

«به تو اطلاع می دهم که من شهرت عظیمی در طب در میان بزرگان شهر یعنی کسانی مثل قاضی القضاه، شاهزادگان... و دیگر اعاظم کسب کرده ام... این امر باعث شده است که من روز خود را در قاهره برای ملاقات بیمارانی از اشراف تلف کنم. هنگامی که به فسطاط باز می گردم، بیشترین کاری که می توانم انجام بدهم... مطالعه کتب پزشکی است که برای کارم ضرورت دارند. دلیل آن هم اینست که تو خود می دانی این فن برای یک فرد دقیق و وظیفه شناس که نمی توان چیزی را بدون استدلال بیان کنند، چقدر وقت گیر و دشوار است. چنین فردی به دنبال آنست که بفهمد هر سختی را کجا بگوید و چگونه بگوید.»

ابن میمون همزمان به عنوان رهبر اعلام ناشده جامعه یهود نیز ظاهر شده و وظایف یک خاخام یهودی، قاضی محل، قاضی استان، مشاور مسئول برای تعیین و انتصاب کارگزاران جامعه و سرپرستی آنها و نظارت بر بنیادهای بشر دوستانه را در کنار هم انجام می دهد. او برای هیچیک از این خدمات حق الزحمه ای دریافت نمی داشت و این نحوه عمل، اصول دینی و فلسفی او را بازتاب می دهد. تنها پسر او به نام آوراهام که ریاست جامه یهود (ناجید) بر عهده داشت و آثار فلسفی و نظری مهمی را تالیف کرده است، در سال ۱۱۸۷ به دنیا آمد، نوشته های او منبع مهمی برای فهم آموزه ابن میمون هستند.

زندگینامه ابن میمون شامل یک تناقض نمای قابل توجه است. او فیلسوفی با طبع و ایدئولوژی خاص و طرفدار جدی آن حیات فکری است که با زیبایی تصویر شده باشد و آرامش خلوت و تنهایی را آرزو کند ولی در عین حال زندگی ای پر جنب و جوش داشته است که معمولاً او را به مرز خستگی و رکود می رسانده است. او از فن طبابت به ستوه آمده بود، تحت فشار و دردسرهای ناشی از شغل قضاوت نیز بود، رهبری اعلام ناشده جامعه خود را بر عهده داشت و در عین حال در برابر نیازهای جسمانی و روحی اعضای جامعه مذهبی خود احساس مسئولیت می کرد. این زندگی دشوار و مشاغل متعدد را با آموزش و تحقیق مدام و فعالیتهای ادبی و نوشتاری نیز همراه می کرد تا اعتقاد او را به آمیختن تکامل فکری و فضائل عملی و اخلاقی توسط رهبران بلند مرتبه منکعس کند (دلاله الحائرین ۳۰۵۴)

تصمیم او در حفظ استقلال اقتصادی با عقیده او مبتنی بر اینکه محققان یا مبلغان دینی نباید به دنبال کمک های عمومی بوده یا آن را دریافت دارند، کاملاً سازگار است. برخی از پرشورترین و زنده ترین نوشته های او (مثل میشنه تورات یا مطالعه تورات ۳۰۱۰، سانهدرین ۲۳۰۵، تفسیری بر میشنه، ۴۰۷) منعکس کننده همین ناخوشایندی از آن عمل و تقابل بی فرجام با وجود یک وابستگی نهادی و مالی به احسان بزرگان یا سازمانهای خیریه است. ولی تارخ چندان از دیدگاه ابن میمون استقبال نکرد و چنین نظام روحانی ای در قوم یهود ظهور یافته و تداوم پیدا کرد.

یکپارچگی طبیعی مطالعه سنتی تورات و فلسفه که محور اصلی نوشته های انبوه ابن میمون و اصل موضوعه ادراک او از یهودیت است، در متون موجود نیز مورد تاکید قرار گرفته است. او در یک نامه گلایه آمیز که در ۱۱۸۴ نوشته شده، بعد از تکمیل چهاردهمین جلد کتاب قانون خود (میشنه تورات) و به هنگام کار بر روی کتاب دلاله الحائرین توجه و تمرکز خویش را بر دو دانش زیر اعلام می کند: «اگر مطالعه تورات مایه لذت و خوشی من نبود و مباحث عقلانی مرا از غم و اندوه ببیرون نمی آورد، باید در غم و اندوه

خود هلاک می شدم.» البته این امر به ذهن و باز و اندیشه مند و اعتقاد او به اینکه فرد باید «حقیقت را از هر کجا که باشد بپذیرد» باز می گردد. بنابراین او در خصوص یکی از کارهایش ذکر می کند که «ایده های ارائه شده... اختراع خود من نبوده است... بلکه آنها را از کلمات خردمندان در میدراشیم (در تلمود) و دیگر آثار موجود از واژه های فیلسوفان باستان و اخیر جمع آوری کرده ام.» در آثار ابن میمون، تورات و فلسفه به نحوی سازگار در کنار هم گذاشته شده اند. از نظر او این دو منابع آموزش و دو رفیق همراه و همیشگی هستند. و سرانجام خلاقیت ابن میمون منکعس کننده یک محرک آموزش قوی است.

آثار دوره جوانی او (میلووت هه ـ هیگایون در مورد منطق و معمار هه- ایبور در مور اصول ستاره شناسی در تقویم یهود) به خاطر تقاضاهای خاص به رشته تالیف درآمده اند. او در طول زندگی خویش صدها پاسخ نامه (تشووت) با هدف تفسیر یا اطلاق قانون و نامه های بسیار برای مشورت، دلداری دادن یا حکمیت به همه نقاط جهان مثل یمن، بغداد، آلپو، دمشق، اورشلیم، اسکندریه، مارسی و لوئل نوشته است. رساله در باب تغییر دین (ایگرت هه- شماد) و بالاخص نامه ای به یمن (ایگرت تیمان) قابل توجه هستند. مجموعه قوانین او به نکات ریز و درشت توجه کرده است، قانون برای او یک نیروی آموزشی است که به تکامل اخلاقی و فکری فرد منجر می-شود و کتاب قانون او نه تنها مجموعه فرامین بلکه ابزاری برای تعلیم و تربیت و نشان دادن مسیر است. تبحر چندگانه و ذو وجوه و مهارتهای آشکار و سازنده او به نحو گسترده ای مورد ستایش و تقدیر قرار گرفته اند و او آزادانه محققان و خوانندگان را در محصولات این خصائص سهیم می کند. عدم توانایی و درماندگی در سهیم کردن دیگران در معرفت خویش معادل با «دزدی کردن از کسی است که حقیقت را در نزد خود دارد یا مضایقه کردن ارث از وارث است» (دلاله الحائرین، مقدمه. تا قسمت ۳).

کارهای اصلی ابن میمون پروش هه- میشه (تفسیر میشمه)، سفرهه- میتسووت (کتاب فرامین)، میشنه تورات (بررسی تورات که به نام ید هحزقا نیز شناخته می شود) وموره نووخیم (دلالقالحائرین) هستند. او همچنین ده رساله در طب دارد که بیانگر تبحر گسترده و استانداردهای اخلاقی زیادی است که او در پزشکی مطرح می-کند. این رسالت تا حد زیادی مبتنی بر نوشته های پزکی به زبان عربی هستند. یکی از این رسالت به جالینوس پرداخته و شامل پاسخهای او به انتقادات جالینوس از تورات موسی است.

تفسیر میشنه و کتاب فرامین: تفسیر جامعه میشنه که حاصل ده سال توجه و تامل ابن میمون ات (۱۱۶۸-۱۱۵۸) هم مقدمه ای بر تلمود و هم بررسی و مرور آن است. این کتاب به زبان عربی نوشته شده و بخشهایی از آن در طی دو سال بعد از آن به زبان عربی بازگردانده شد. از همین جهت تاثیز زیاد و مستقیم بر آثار دیگر او نداشته است. کتاب، مطالعات دقیق بر متون و حتی حاشیه نویسهای معطوف به واژه ها و لغت پردازانه را با تحلیل مفهومی در هم می آویزد. ابن میمون اغلب از موضوع بحث خود منحرف شده و به تدقیق در یک اصل کلامی یا تبیین یک مسئله.

قانون برای ابن میمون یک نیروی آموزشی است که به تکامل اخلاقی و فکری فرد منجر می شود.

فلسفی یا علمی می پردازد، چه همان طور که خود اعتراف می کند «بسط یک اصل واحد و مجزای دینی برای من خوشایندتر از هر چیز دیگری است که می توانم آموزش دهم». این کتاب شامل مباحثی ارزشمند در مورد مسائلی مثل نبوت، جمع یا رفع اختلاف دانش طبیعت با فهم سنتی از گزارش کتاب مقدس در مورد خلقت معاسه برشیت و مابعدالطبیعه با تفسیرهای سنتی از دیدگاه عزقیل در مورد ارابه الهیی معاسه مرکاوا، جمع باور به اراده آزاد با باور به تقدیر، وعد و وعید، تاریخ دین، سحر، طب و معجزات، نامیرایی و جهان آینده، و استفاده روش شناسی درست از تمثیل است.

ابن میمون در کتاب تفسیر به مسئله ای اشتغال داشته که او را متناوباً در دورانهای بعدی نیز درگیر کرده و موضوع اصلی اندیشه مذهبی یهودی بوده است، این مسئله تفسیر

استعاری عقده است. عقده، بخشهایی از تلمود است که بیشتر به بیان معرفت و علم اختصاص یافته تا قانون. برنامه ابن میمون این بوده که تفسیر خاصی برای طبقه بندی، توضیح و توجیه عقلانی عقده بنویسد ولی این ایده را کنار می گذارد، دلاله الحائزین (راهنمای سرگشتگان) به نظر خود ابن میمون تا حدود زیادی به موضوعات تفسیر متون مقدس وتمثیل اختصاص داشته و می توانسته جایگزینی برای آن کتاب باشد. علاقه ابن میمون به تفسیر «عقده» به این موضوع اعتبار بیشتری می-بخشد و کتاب دلاله الحائرین را به صورت بخشی از سنت عقده همانند جزئی از سنت فلسفی مطرح می کند.

در کتاب تفسیر یه تک نگاری جداگانه وجود دارد. مقدمه کلی کتاب یک تحقیق جامع در مورد بنیادهای نظری، تاریخی و مکتبی قانون نانوشته، ریشه آن در وحی القا شده به موسی در کوه سینا و بالاخص فرایند جاری سرایت و تفسیر است. این میمون تاکید می کند که قانون نانوشته یک مسئله کاملاً معقول ابن میمون به دنبال وحدت عمل و مفهوم، ظهور خارجی و معنای درونی، عمل مشهود و تجربه نامشهود و شریعت فلسفه بود.

بوده و تابع هسته های اصلی تفسیر است. این قانون همچنین به هیچ مداخله فراعقلی تن در نمی دهد. حتی نبوت نیز ارتباط اندکی با این فرایند قضایی دارد. تنها نبوت موسی نقش قانوگذارانه دارد و همه پیامبران بعدی صرفاً نقش نصیحت و ترغیب را داشته و نمی توانند قوانین جدید وضع کنند (همچنین نگاه کنید به دلاله الحائرین ۲۰۳۹).

بخش دهم از سانهدرین که خود بخشی از تلمود است این گونه آغاز می شود: «همه اسائیلیان سهمی در جهانی که در حال ظهور است دارند» «این عبارت برای ابن میمون فرصتی ایجاد می کند تا بررسی مفصلی را در مورد باورها و عقاید یهود انجام دهد. ابن میمون پس از نقادی مفاهیم مادیگرانه و خام در جهان آینده و مشخص کردن مفهوم مذهبی جهان در حال ظهور با مفهوم فلسفی نامیرا بودن نفس، واژه «اسرائیلیان» را با صورت بندی سیزده اصل مشهور یا مقالات ایمان تعریف می کند. به نظر می رسد، از همه اسرائیلیان انتظار می رود که این اصول را تصدیق کنند. سیزده اصل مذکور را می توان به سه گروه اصلی تقسیم کرد:

(۱)- خدا- وجود، وحدت، غیر جسمانی بودن و ابدیت و نیز منع و عدم جواز بت پرستی.

(۲)- شریعت- نبوت، منحصر به فرد بودن و یگانگی نبوت موسی، مبداء الهی داشتن قوانین نوشته و نانوشته و جاودانگی و تغییر ناپذیری قانون.

(۳) باورهای مربوط به وعد و عید- علم مطلق و کامل خداوند، جزای الهی برای خیر و شر، آمدن مسیح، و روز قیامت و محشر.

همه مباحث متفکران یهودی پس از این میمون در مورد این عقاید جزمی با صورت بندی فوق ارتباط داشته و تحت تاثیر آن بوده اند.

مقدمه ابن میمون بر «اخلاق آباء» (پیرکس آووت) که هشت فصل نام دارد، یک مقاله روان شناختی- اخلاقی است: بنیاد و اساس این مقدمه تحلیلی از نقس و قدرتهای آن است. هدف این مقاله نیز بیان کامل نظریه ابن میمون در مورد «نقطه زرین میانین» (۶) است. ابن میمون فضائل اخلاقی را نوعی از وضعیت های روانش ناختی تعریف می کند که در میان دو حد افراط و تفریط قرار می گیرند؟ کار خوب کاری است که در میان این دو حد نهایی قرار می گیرد. این نظریه مبنا و بنیاد افکار قوی و نیرومند ابن میمون می گیرد. این نظریه مبنا و بنیاد افکار قوی و نیرومند ابن میمون نسبت به ریاضت کشی و همه انواع کارهای افراطی است. ابن میمون یهودیانی را که از «پیروان دیگر مذاهب» (شاید صوفیان) تقلید و تبعیت کرده و روش ریاضت و چشم پوشی از هر گونه لذت و اختیار می کنند مورد انتقاد قرار می دهد. فصل پایانی کتاب شامل یک تایید روشن و بدون ابهام از آزادی انسانی است و به همین دلیل همه دیگاههایی که اراده آزاد بشر را نفی کرده ویا تحلیل می برند انکار می کند نمونه این دیدگاهها می تواند دخالت دادن افلاک و ستارگان در زندگی بشر یا تقدیم گرایی باشد). این مقدمات یا بررسیها همراه با مقالات فلسفی، روان شناختی و اخلاقی خواننده را قادر می کند که سنجش دقیقتری از

حالت و خوی ابن میمون داشته باشد. برخی از محققان معتقدند که دلاله الحائزین با اینگونه نوشته های اولیه ابن میمون از بسیاری جهات (مثل بحث اراده آزاد و اختیار) در تضاد است.

ابن میمون کتاب فرامین را به عنوان تمهیدی بر مجموعه القوانین خود ره رشته تحریر آورد. اینکتاب شامل فهرست کاملی از ۶۱۳ فرمان است که از ذهن او در برابر فراموشی و محذومات حفاظت کرده و جامعیت مجموعه قوانین را تضمین می کند. دستاورد اصلی این کتاب مقدمه آن است که چهارده اصل راهنما را برای مشخص کردن قوانین که باید در مجموعه ۶۱۳ قانون قرار بگیرند تعریف می کند. اصل نهم طبقه بندی جالب توجهی از شرایع ارائه می کند:

۱: باورها و عقاید (مثل آگاهی از وحدت داوند)

۲: اعمال (مثل ایثار کردن)

۳: فضائل اخلاقی و خصائل شخصیتی (مثل دوست داشتن همسایه)

۴: گفتار (مثل دعا خواندن و پرستش)

این طبقه بندی چهارگانه به دلیل جامعیت فراگیر و رد شریعت گرایی و دستورالعملهای دقیق و جزیی که به مفهوم ناخوشایند و موهن آن به یهودیت نسبت داده می شود اهمیت دارد.

مشینه تورات: این کتاب در حوال سال ۱۱۷۸ تکمیل شده است و شریعت و قوانین یهود را بدون هیچ سلف یا دنباله ای در ادبیات ربی و یهودی ارائه می کند. این کتاب با پنج ویژگی اصلی از کتابهای دیگر متمایز می شود: شکل تدوین، چشم انداز، نظام طبقه بندی، زبان و سبک و آمیختن منبع اصلی شریعت یهود(۷) و فلسفه .

۱. شکل تدوین: ابن میمون مطالب انبوه و بی شمار را در شکلی مختصر و تازه ارائه کرده و مباحث نامشخص و تفسیرهای متضاد را حذف کرده است. وی همچنین احکام یکسویه و ثبت ناشده را صورت بندی می کند. او در برخی از موارد منابع کار خود را ذکر می کند، اسم مولفین را می آورد، بیش از یک دیدگاه را ارائه می کند، مواد تبیینی و تفسیری را در مجموعه مباحث وارد و اعمال و دیدگاههای شخصی را توصیف می کند.

۲. چشم انداز: یکی از نقلابی ترین وجوه مجموعه قوانین ابن میمون چشم انداز جامع و فراگیر آن است. این چشم انداز تمایزهای موردی میان وجوه علمی و نظری را از میان برمی دارد. ابن میمون با تمایل غالب مبنی بر مطالعه صرف آن بخشهایی از تلمود که عملی و مناسب بانیازهای زمانه هستند مخالف بود. او بر این نظر پافشاری می کرد که بخشهای پیچیده و «منسوخ» تلمود شان کمتری از بخشهای عملی و عمومی آن ندارد و باید زمان و توجه یکسان به همه بخشهای اختصاصی داده شود. او قوانین و دستورالعملهای مربوط به ایثار و قداکاری یا دوران مسیح را با همان دقت و جامعیت موجود در قوانین مربوط به عبارت و روابط زناشویی تالیف و تنظیم می کند.

۳. طبقه بندی: ابن میمون روال و چهارچوب کتاب میشنه را کنار گذاشته و ترتیب آموزشی و عنوانی تازه برای آن ابعدا می کند. طبقه بندی یک مقدمه ضروری برای تالیف قانونی است و به تعبیر و تفسیر، مفهوم سازی به جا، میزان زیادی از انتزاع و دیدگاهی اجمالی از کل هیئت مواد موجود نیاز دارد. مقوله بندیهای قانونی با کل مجموعه قوانین فردی و مفهوم ذاتی قانون سر و کار دارد. شور و هیجان حاکم بر زندگی ابن میمون به نظم، نظام سازی، مفهوم سازی و تعمیم متوجه بوده است و بیان نهایی و انجامین آن را می توان در میشنه تورات یافت.

۴. زبان و سبک: ابن میمون زبان عبری میشنه را بر زبان عبری کتاب مقدس یا زبان آرامی تلمود ترجیح می دهد و سبک و سیاق غنی و قابل انعطافی را با دقت، ایجاز و زیبایی ایجاد می کند. در نتیجه میشنه تورات شامل بخشهای زیادی از تلمود است که به زبان فصیح وسلیس عبری ترجمه شده است.

۵. آمیختن منبع اصلی شریعت یهود با فلسفه: ابن میمون به دنبال وحدت عمل و مفهوم، ظهور خارجی و معنای درونی، عمل مشهود و تجربه نامشهود و شریعت و فلسفه بود. ابن میمون این یگانه سازی عناصر عملی، نظری و کلامی را در نامه ای که به توصیف عینیت دوچندان در میشنه تورات می پردازد، شرط تالیف مقتدرانه شریعت باورهای راستین تلقی می کند.

کتاب اول از میشنه تورات (سفر هه- مداع، کتاب المعرفه) خلاصه ای از باورهای اساسی و مفاهیم راهنماست که ساخت ایدئولوژیک و عقیدتی یهودیت را شکل می دهد. ابن میمون توضیح می دهد که او نمی تواند اثر جامعی را در مورد جزئیات تصورات عملی با غفلت از بنیادهای باورهای اصلی، فرامینی که ریشه (عقار) دین موسی بوده و باید پیش از هر چیز شناخته شوند تالیف کند. در کتاب اول، برخورد نظام یافته با مابعدالطبیعه و اخلاق، استفاده از بخشهای مجزا برای قوانین مربوط به بررسی و مطالعه (تلمود تورات) و قوانین توبه (تشووه)، اختصاص بخشی به بت پرستی شامل تاریخ دین و بررسی اممال جادویی و خرافات که باید مورد انکار قرار گیرند در کنار هم آمده و می توانند مقدمه یا جزء مستقل و یکپارچه ای از کل مجموعه قوانین و کتاب باشند. پدر بخشهای دیگر میشنه تورت نیز تفاسیر فلسفی، جهت گیریهای عقلانی، دیدگاههای اخلاقی و اصول کلامی به چشم می آید. ترتیبی که ابن میمون برا یکتاب هلخه ایجاد می کند، شامل یک بررسی مناسب از تفسیر اخلاقی، معنویت گرای و عقلایی جلوه دادن مطالب است و کل مجموعه ذغامی هه- میتسووت یا دلایل فرامین را شامل می شود. بسیاری از احکام و قوانین را نمی توان به راستی عقلایی جلوه داد، ولی حکم به دیگر شدن با مسئله عقلانی کردن و نفوذ به ذات، ونیروهای محرک و واقعی فرامین در میشنه تورات بررسی شده است. بدین ترتیب بسیار روشن است که این کتاب قانون، ابن میمون را به صورت یک قاضی و یک فیلسوف در کنار هم جلوه گر می کند.

با وجود همه انتقادات، میشنهتورات تاثیر قاطع، گسترده و نسبتاً ثابتی بر مطالعه و عمل به هلخه داشته است. این اثر منسجم و سازمان یافته به منشوری مبدل شده است که عملاً همه بازتابها و تحلیل مطالعات تلمودی را از خود عبور می دهد. به سختی می توان ابن میمون همانند دیگر فیلسوفان دینی قرون وسطی وحی را به عقل و ادراک حسی به عنوان یکی از منابع شناخت اضافه می کند.

یک نوشته اصلی و بسط یافته در قلمرو گسترده ادبیات ربی به طور کلی و قلمرو فقه یهود به طور اخص یافت که به طریقی با میشنه تورات ارتباط نداشته باشد. این اثر یک کتاب بی سابقه، بی رقیب و خلاق و مبدع است.

دلاله الحائرین، بهترین کتاب فلسفی ابن میمون، به زبان عربی و در میان سالهای ۱۱۸۵ تا ۱۱۹۰ به رشته تحریر درآمده و سپس درست پیش از مرگ ابن میمون توسط شموئیل بن تیبون (۱۲۳۰-۱۱۵۰م) به زبان عبری ترجمه شده است. این کتاب به سه قسمت تقسیم می شود، و طیق گسترده ای از مسائل فلسفی را تحت پوشش قرار می دهد. ابن میمون در این کتاب به مسائلی که همه فیلسوفان دینی قرون وسطی با آنها درگیر بوده اند می-پردازد: این مسئل عبارتند از ایمان و عقل یا رباطه فلسفه و کتاب مقدس، وجود، وحدت، غیر جسمانی بودن و اراده آزاد خداوند، رابطه خداوند با جهان از حیث مبدایت و سلطه او بر آن، رابطه میان خدا و انسان از طریق وحی و مسائل مربوط به اخلاق، اراده آزاد و سرنوشت انسان شامل جاودانگی و آموزه های مربوط به آخرت شناسی. دلاله الحائرین به نحو گسترده ای مورد استفاده متفکران یهود قرار گرفت و

فیلسوفان اسکولاستیک مسیحی بالاخص توماس آکوئیناس از آن بهره گرفتند.

دلاله الحائرین برای چه کسی و با چه هدفی نوشته شده است؟ ابن میمون این کتاب را مشخصاً برای شاگرد خود یوسف بن یهودا شمعون تالیف کرده است، او به طور کلی خود را مرجع «سرگشتگان» معرفی می-کند. سرگشته و سرگردان «فرد مومین است که اعتبار و ارزش شریعت ما در روح او بنیادگذاشته شده است، این فرد در دین و منش خود کامل است و معارف فیلسوفان را مطالعه کرده و در آستانه شناخت چیزهایی است که آنان بیان می دارند.»

ابن میمون سر آن ندارد که به «عوام و مبتدیان در تامل یا آنها که به هیچ مطالعه ای به جز قانون وفقه نمی پردازند.» آموزش دهد. «منظور من از این گروه کسانی هستندکه شریعت را از حیث قانون بودن آن مطالعه می کنند و به مطالعه حقوق بسنده می کنند. اهدف این نوشته دانش حقوق و شریعت در معنای حقیقی آن است.» خواننده کتاب یک متفکر دینی است که به خوبی شریعت یهود و فلسفه کلاسیک را آموخته و به دلیل جمع این دو با هم و عدم صرفنظر از یکی از آنها دچار سرگشتگی شده باشد. ابن میمون با تبیین ما بعدالطبیعه به این موضوع پرداخته و اشتباهات فیلسوفان را نشان می دهد. او همچنین معنی خاص کتاب مقدس و تلمود را به زبان عبری تفسیر می کند.

ابن میمون بر دقت فکری و روش مناسب برای رسیدن به این اهداف پافشاری و تاکید می کند، به همین دلیل است که او تصمیم می گیرد که اشتباهات و خطاهای «فیلسوفان بالاخص پیروان کلام» را که غالباً از آنچه توسط حواس درک می شود تخلف کرده اند بر ملا کند. او تقدم را به خلوص روش می دهد. معنی ویژه و خاص کتاب مقدس با استفاده درست از روش تمثیل با مشخص کردن مفهوم فرا- کلامی مسترن «دینی روشن می شود. این امر یکی از روشهای تایید این مطلب است که سنت دینی شامل حقایق اساسی فلسفه است. همچنین یک هماهنگی اساسی میان ایمان و عقل وجود دارد. ابن میمون همانند دیگر فیلسوفان دینی قرون وسطی وحی را به عقل و ادراک حسی به عنوان یکی از منابع شناخت اضافه می کند.

همین فرض معرفت شناسانه است که معرفت شناسی کلاسیک را تغییر داده و زمینه ای برای اصل موضوعه ابن میمون در مورد تطبیق پذیری سنت دینی و استدلال فلسفی به شمار می رود از جهت همین عدم تناقض میان آنهاست که ابن میمون به این باور می رسد که عقیده مستدل فراتر از ایمان است. ابن میمون به چیزی باور دارد که هاری ای. ولفسن آن را «نظریه تک ایمانی از نوع معقول» می نامد.

آرمان ابن میمون عبارت است از ترکیب «دانش فقه و شریعت یا مطالعه حقوقی شریعت و فقه» با «دانش شریعت و فقه به معنای صحیح آن». عبارت «مقالعه حقوقی شریعت و فقه» یک گزاره همانگو یا نه نیست. ابن مین در اینجا با یک برخورد جسورانه این مبنا را می گذارد که قانون و شریعت دو بعدی است: بعد قانوی (به یک معنی محدود و مثبت آن) و بعد فراقانونی یا فلسفی. در دیدگاه ابن میمون هر دو بعد اجزا و مولفه های قانون نا نوشته و شفاهی هستند. بر طبق تاریخ فلسفه او (دلاله الحائرین ۱۰۷۱) که دیگر نویسندگان یهودی، مسیحی و مسلمان نیز در آن نظر سهیم بوده و تا آغاز دوران جدید ادامه دارد، یهودیان در دوران باستان علوم طبیعت و مابعدلاطبیعه را ایجاد کردند، ولی از این امر به دلایل گوناگون تاریخی و کلامی غفلت شده است، آنها این دانشها را از اندیشه یونانی وام نگرفتند، چرا که فلسفه جزئی پیوسته با سنت مذهبی آنان بود. این امر کاملاً با صورت بندی هلخه ای ابن میمون (میشنه تورات، مطالعه تورات، ۱۰۱۲، ۱۰۱۱) جفت شده و فلسفه با با جوهر قانون نانوشته پیوند می زند و مطالعه آن را با معنی و متضمن احکام خاصی می کند. موضع فلسفی و دیدگاه فکری ابن میمون رابطه بنیادی و برخورد ثابت میان فلسفه و هلخه است. برای او مسئله به صورت مشروعیت فلسفه در دین مطرح نمی شود، بلکه مشروعیت دین بدون فلسفه مطرح است. ابن میمون درست علی رغم یهودا هه- لوی که فلسفه را یک مزاحم ناخواسته می پنداشت، غیبت آن را

نامطلوب و غیر قابل تحمل می داند.

وجه سوم در برخورد ابن میمون با فلسفه، علاوه بر وجه معرفت شناختی (عقل و وحی دو منبع شناخت هستند) و وجه تاریخی (فلسفه جزئی از سنت علمی یهود است)، وجه فرهنگی است. براساس این وجه فلسفه شامل میزان و مقیاسی برای کلیت است. بدین ترتیب ابن میمون هویت سنت فلسفی کلاسیک و گمشده یهودی را در پرتو مطالعه فلسفه که روزگار او تحت تاثیر اندیشه های بیگانگان بود در نظر می ورد. او در بازسازی تاریخ فلسفه مورد نظر خویش ما را از محرکهای غیر یهودی و بالاخص اسلامی برای احیای فلسفه یهودی در قرون وسطی آگاهی می دهد و از این جهت نیازی به نگرانی و ناراحتی ندارد. «ما پیش از این توضیح داده ایم که همه این دیدگاهها [ی فلسفی] با آنچه توسط پیامبران و حافظان شریعت گفته شده تناقضی ندارد ... هنگامی که ما به واسطه همه این ناآشنایی ها و فقدان عقل و خرد به بوارهای غافلان و کوته اندیشان خو کردیم، دیدگاههای فلسفی را با شریعت خویش بیگانه دیدیم. ولی موضوع این چنین نیست» (دلاله الحائرین ۲۰۱۱). او در برنامه ای به مترجم کتاب خود شموئیل بن تبیون منابع اصلی فلسفه خویش را متذکر می شود: ارسطو که کتابهای او «ریشه و بنیاد همه آثار موجود در علماست»، فارابی که «نوشته هایش بدون خطا و عالی است و فرد باید آنها را مطالعه کرده و بفهمد»، و شروح مهمی بر ارسطو مثل اسکندر افرودیسی(۸) تمیستیوس (۹) و ابن رشد.

فلسفه ابن میمون مملو از مسائل و مشکلات جدلی است. ابن میمون به منظور روشن کردن ذهن ذهن برخی از خوانندگان و پرهیز از ایجاد تشتت ذهنی در دیگران سازماندهی سخت و منسجم خود صرفنظر کرده و از ارائه یکنواخت دیدگاهها چشم پوشی می کند. بنابراین مطالب در قسمتهای ناپیوسته و از هم جدا آمده و بامقدماتی که تناقضهای موجود را به خوبی بررسی می کنند همراه می شوند. بنابراین مطالعه کتاب دلاله الحائرین یک چالش بزرگ است. این جدال تا زمان ما خوانندگان دلاله الحائرین را به خود سرگرم کرده است. آنها نمی-توانند با تمایل درست ابن میون و موضوع واقعی فلسفی دینی او همراهی کنند.

البته یک تنش بنیادی در تلاش برای ترکیب فلسفه ارسطویی و یهودیت وجود دارد و نمی توان اطمینان داشت که این دو وجه و جنبه ابن میمون یعنی عامل بزرگ هلخه و شاگر متبحر ارسطو کاملاً با هم کنار بیایند. با فرض غلبه حیات معقول بر ابن میمون، زندگی عملی مذهبی برای او چه نتایج و لوازمی دارد؟ آیا ناسازگاری مشخصی میان ظهور معنی دار میتسووت و مطالعه جدی و ستایش دانش طبیعت و مابعدالطبیعه وجود دارد؟

ابن میمون خود به دیدگاه کسانی که معتقدند تحقیق فلسفی «بنیادهای شریعت را تحلیل می برد» متذکر می شود (دلاله الحائرین ۱۰۳۳)، ولی او با همه این مشکلات در مورد باور به شان عقلگرایی راسخ و استوا باقی می ماند. او اعتقاد دارد که این دستور خود دین است که عقل فردی در مطالعه خدا و جهان به کار گرفته شود: «فرد فقط می توان با آگاهی و معرفت به خدا عشق ورزد، عشق با معرفت منطبق است. اگر آگاهی کاهش یافته یا افزایش یابد، عشق نیز از آن تبعیت خواهد کرد. بنابراین شخصی باید خود را وقف فهم و تامل در این علوم کرده و مطالبی را مطالعه کند که او را به خدایش واقف کند. این تلاش باید تا حدی که قوای انسانی برای درک و تامل اجازه می دهند ادامه یابد.»

دستاوردها و میراث، حیات کاری ابن میمون که در تفسیر جدی و دقیق و صورت بندی اندیشه مندانه، عقاید و رفتار یهودی خلاصه می شود از آغاز سالهای اولیه زندگی برای ابن میمون روشن بوده است. در نوشته-های او به خوبی می توان وحدت آگاهانه . تداوم پیشرفت را مشاهده کرد. شکل گیری سریع و پیشرس ایده ها، آزمانها و الهامات او، ارتباط منطقی آنها با یکدیگر، و کارخلاقانه و سازگار بر روی آنها شگفت انگیز است. با حرکت آثار او از تفسیر و توضیح متون به آثار مستقل و از یک سطح تالیف به سطح دیگر،

خواننده ای که با او پیش می رود. احساس می کند که ابن میمون از آغاز یک طرح کلی و اصلی برای پوشش دادن به موضوع اصلی کار خود در اختیار داشته است، آن موضوع نیز در کار هم قرار دادن دو نگرش نامتلائم ذهنی یعنی هلخه و فلسفه در یک طرح هماهنگ و مفید بوده است.

ابن میمون به نحوی سازگار از یک دیدگاه عاطفی و احساسی نسبت به دین و اخلاق دفاع می کند و برا یاین کار به بررسی شریعت براساس یک دیدگاه سازش ناپذیر و خاص، تحقیر دیدگاههای سرسری عوام، جست و جوی مفهوم نهایی دینی در هر عمل انسانی و اصرار بر تعهد به عقل و کمال و نیاز به آن متوسل می شود. دیداگاه او در باب مشاهده معنی دار میتسووت با ستایش زیادی از فلسفه همراه است. او به شدت با دین معمول و رفتار ناشی از عدم تامل برخورد می کند و اصرار می ورزد که حساب توجه به تلمود از باورهای مبتنی بر جان بخشی به طبیعت جدا شود. ابن میمون بر ارزشمندی دین فلسفی که عقلگرایی و دینداری در آن همراهان طبیعی هستندو تکامل انسان از طریق آن صورت می گیرد اصرار می ورزد. او به عنوان یک عقلگرایی مذهبی، به ارتباط و مکمل بودن عقل الهی و عقل انسانی اعتقاد دارد و کوشش و تقلایی سرسختانه برای جمع میان آنها انجام می-دهد.

ابن میمون می دانست که این امر به سادگی و بدون تامل انجام نمی شود و بر این باور بود که تلاش برای انجام آن مملو از تنش و مشکل است، ولی برای رسیدن به تکامل دینی صحیح این کار باید انجام شود. می توان گفت که ابن میمون راه عقلگرایی مذهبی را که در نوشته های ربی قدیمی تر نوعی وجود متعالی دارد هموار می-کند و بر همین اساس ادعای مشروعیت و عظمت آن را کرده و به آن دست می یابد. ابن میمون با انتقاد، تصفیه و بسط مطالب مختلف، مسیرهای گوناگونی از عقلگرایی را برمی گزیند. این مسیرها به شکل نماد ذهنیت عقلگرایی مذهبی ظاهر شده و پیشه و مسیر تازه ای در اندیشه مذهبی است. تاریخ فکری و دینی یهود را می توان تا حد زیادی به صورت بحثی در عقل و کارآیی موضع ابن میمون خلاصه کرد.

پی نوشتها :

۱. این مقاله از دایره المعارف دین با مشخصات کتاب شناسی زیر ترجمه شده است :

.Twersky Isadore .Maimadines . Encyclopedia of Rellgion ۱۹۸۷ . vol .۹ . pp.۱۳ ۱ - ۱۳۶

Rabbi Mosheh ben Maimon.۲

۳.تلمود مجموعه ای از نوشته های کهن در مورد قوانین رسمی و مدنی و سنت یهود است .

Philosophia perennis.۴

۵.شهری تجاری در مراکش

۶. این مفهوم که تحت تاثیر نظام اخلاق ارسطویی است در فرهنگ دینی مسلمانان نیز به همین صورت وجود دارد : « خیر الامور اوسطها »

halakhah.۷

۸. Alexander of Aphyodisias در ۲۰۰ پیش از میلاد در اوج شهرت به سر می برده است . فیلسوف یونانی . مدرس فلسفه مشایی در آتن .

۹. Themistius خطیب یونانی تولد در پافلاگونیا و سکونت طولانی در قسطنطنیه . مولف مدایحی متوجه به امپراتوران شرق و حاشیه هایی بر آثار ارسطو .

کد مطلب: ۱۴۰۸

آدرس مطلب: http://iptra.ir//matter/۱۴۰۸/۸-کنکاشی-اندیشه-آثار-ابن-میمون

کانون ایرانی پژوهشگران فلسفه و حکمت http://iptra.ir/